

بسمه تعالی

## مکاتب اقتصادی

### مقدمه:

تخصیص بهینه منابع و امکانات برای برطرف کردن نیازهای نامحدود بشر باعث بوجود آمدن علم اقتصاد و به دنبال آن نظریه ها و مکاتب اقتصادی گردید. دستیابی بشر به اصول و قواعد علم اقتصاد بود که موجب پیدایش مکاتب اقتصادی شد، چون هر جا که مسئله احتیاج انسان مطرح باشد اندیشه های خاصی در جهت تامین آن در ذهن بشر نیز شکل می گیرد. تلاش فکری انسانها برای کشف ارتباط بین پدیده های اقتصادی باعث شکل گیری نظریه های اقتصادی شده که اشتراکات این نظریه ها در ارائه اصول و شیوه های بررسی پدیده ها نیز عاملی برای دسته بندی و ایجاد مکاتب اقتصادی گردیده است. توسعه و تداوم هر مکتب بستگی به توانایی آن در پاسخگویی به مسائل و مشکلات جاری زمان دارد. یعنی اگر مکتبی نتواند با مشکلات جدید اقتصادی سازگاری داشته باشد جای خود را به یک مکتب جدید خواهد داد. در مطالعه و بررسی هر مکتب شناخت اصول و قواعد آن لازم و ضروری می باشد چون این اصول و قواعد مبنای فکری مطالعات و حل مشکلات قرار گرفته و به اصول و قواعد دیگر تقسیم می شود به عنوان مثال می دانیم که اساس ثروت در مکتب مرکانتلیست فلزات گرانبها در مکتب فیزیوکرات ها کشاورزی و در کلاسیک ها کشاورزی و صنعتی بوده است. از آنجا که روند تکامل مکاتب اقتصادی در اندیشه انسان تاثیر گذاشته و تفکر او را برای توجیه و حل مسائل بر می انگیزد بنابر این بررسی و مطالعه مکاتب اقتصادی خالی از لطف نیست. جهت یاد آوری و آشنایی همکاران بطور خلاصه به معرفی این مکاتب می پردازیم.

## 1-مکتب اسکولاستیک

تا قبل از قرن نهم میلادی بحث ها اجتماعی از جمله اقتصادی از دیدگاه اخلاق بررسی می شد و بعد ها به نام اسکولاستیک معروف شد. طرفداران این مکتب مدرسیون نام گرفتند از نمایندگان این مکتب می شود به توماس آکویناس و البر توس ماکنوس اشاره کرد این مکتب تقریباً تا قرن پانزدهم رواج داشت و هدفش بسط تعالیم حضرت مسیح (ع) توسط فلسفه یونان بود. از دیدگاه اقتصادی، این مکتب، نوعی اقتصاد ملی بر مبنای اخلاق ارائه می کند.

## 2-مکتب مرکانتیلیست

از صاحب نظران آن می توان به توماس مان و ژان باتیست کلبر اشاره کرد. (قرن 16 تا 18 میلادی)  
مرکانتیلیست ها بیشتر از آنکه نظریه پردازی کنند اهل سیاست و مردان عمل بودند و همین، عامل اصلی خطاهای فاحش نظری آنها بود.

این مکتب اساس ثروت و قدرت را در سه چیز می دانست

- 1- کسب طلا و نقره از هر مسیر ممکن
- 2- افزایش ثروت و قدرت دولت مرکزی
- 3- مداخله مستقیم دولت در امور اقتصادی

## 3-مکتب فیزیو کراتها (طبیعیون)

در دوران افول تفکر مرکانتیلیستی این مکتب در فرانسه با انتشار مقاله ای از دکتر کنه در سال (1756) بنیان نهاده شد و از روش قیاس برای اثبات ادعای خود استفاده می کردند. بنیان گذار مکتب فرانسوا کنه بود و ایشان معتقد بودند که خداوند قوانین و نظم جهانی را آفریده و نظامی طبیعی برای فعالیت های بشر ایجاد کرده است. بنابر این او بر آزادی نوع بشر در فعالیت ها تاکید می کرد.

#### 4-مکتب کلاسیک: نخستین مکتب اقتصاد مدرن(1776-1830)

بنیان گذار مکتب: آدام اسمیت و نام کتاب ثروت ملل

##### اصول حاکم بر این مکتب

- نظام حاکم بر بازار و عملکرد قیمت قادر خواهد بود تعادل عمومی اقتصاد را ایجاد نماید.

- تاکید بر نفع شخصی و عدم دخالت دولت در اقتصاد

سایر نظریه پردازان این مکتب: ژان باتیست سه

#### 5-مکتب تاریخی

در انتقاد به مکتب کلاسیک بوجود آمد.

بنیان گذار: فردریش لیست

- مبانی فکری:

نظامات و قواعد مربوط به اجتماع بشری در حال تغییر و تحول است. بنابراین قوانین اقتصادی جهان شمول و ازلی نیستند.

-کلاسیک ها انسان را تک بعدی می دانند(نفع شخص) در صورتی که انسان نیاز به نوع دوستی محبت و معنویت دارد.

##### 1- تاکید این مکتب بر سه اصل است:

الف) قطع واسطه گران بین تولید کننده و مصرف کننده

ب)حذف سود سرمایه گذاری

ج) مالک شدن کارگران در ابزار تولید

## 6- مکتب سوسیالیسم

هدف سوسیالیسم لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و برقراری مالکیت اجتماعی بر آن می باشد. این مکتب ابتدا در انگلستان (1827) با مکتب رابرت اوون و سپس در فرانسه و در سال (1932) با عقاید سنسیمون آغاز شد.

بنیان گذار اصلی: کارل مارکس

نام کتاب: سرمایه

این مکتب از درون مکتب تاریخی سوسیالیزم به وجود آمده و منتقد نظام سرمایه داری است. علاوه بر آن توانسته بحران های اقتصادی سال های آتی نظام سرمایه داری را پیش بینی نموده و معتقد به تضاد درونی نظام سرمایه داری و استثمار نیروی کار توسط نظام مذکور بود.

## 7- مکتب نئو کلاسیک

این مکتب از اواخر قرن نوزدهم جای پای خود را با ارائه مکتب نهایی گرایی با نظرات اصالت فایده یا مطلوبیت (حداکثر کردن مطلوبیت) ویلیام استانلی پایه گذاری شده و دیگر اقتصاد دانان این مکتب عبارتند از استانلی فیشر، کارل منگر، لئون والراس، الفرد مارشال. این مکتب کلاسیک تعدیل شده نیز نامیده می شود. و معتقد است انسان با حد اقل تلاش در حداکثر کردن منفعت و سود است.

شاخه های این مکتب: مکتب ریاضی و مکتب تفکر روانی (مکتب اتریشی)

## 8- مکتب کینزین ها

بنیان گذار آن جان مینارد کینز در قرن بیستم که معتقد بود دولت برای کاهش بیکاری باید اشتغال ایجاد کند هر چند این اشتغال غیر مولد باشد.

نام کتاب: تئوری عمومی اشتغال - پول و بهره

مشخصه و اصول حاکم بر این مکتب:

- نجات سرمایه داری از بحران اقتصادی
- طرفداری از دخالت دولت و ایجاد تقاضا
- تعادل اقتصاد و اشتغال ناقص

## 9- مکتب کینزین های جدید

در اوایل سال (1980) پا به عرصه وجود گذاشت و در واقع تکامل یافته ایده های جان مینارد کینز می باشد. بنیان گذاران آن فرانکو مودیکلیانی و جیمز توبین می باشد. به اعتقاد این مکتب بازار و اقتصاد آزاد ثبات دائمی ندارد و سیاست های ارشادی دولت و مداخله او تاثیر به سزایی در حل مشکل عدم تعادل دارد .

## 10- مکتب پولیون (پول مبنا)

نهضت پول گرایان در دهه (1930) توسط هنری سایمون و جیکوب وانیر و با مطالعات و نظریه تکمیلی میلتون فریدمن بوجود آمد. معتقدند اقتصاد بازار آزاد به طور ذاتی بی ثبات بوده و پول به عنوان یکی از مهمترین متغیرهای تاثیرگذار اقتصادی و سیاست مداخله گرایانه دولت را موجب وخامت اوضاع اقتصادی می داند.

## 11- مکتب کلاسیک های جدید (قرن بیستم)

بنیانگذاران این مکتب: رابرت لوکاس و توماس سارجنت

به اعتقاد آنها اقتصاد بازار آزاد به طور ذاتی باثبات و بحرانهای اقتصادی کوتاه مدت، زود گذر است. مردم در برخورد با وقایع اقتصادی از تمام اطلاعات موجود و قابل دسترس استفاده و پول تنها وسیله مبادله است و بر متغیرهای واقعی اقتصاد تاثیری ندارد.

## 12- مکتب پست کینزین ها

- اقتصاد گرایش برای خود اصلاحگری ذاتی ندارد.
- دخالت در اقتصاد غیر قابل انکار است.
- فرض وجود رقابت کامل غیر واقعی است.
- پول یک عامل و یک متغیر اقتصادی صرف است.
- سیاست های درآمدی و برنامه ریزی به عنوان سیاست های مکمل سیاست های ارشادی دولت باید به کار گرفته شود.

### منابع:

- 1- جبرئیل اوغلی، ناصر، مکاتب اقتصادی. (2014).
- 2- تقضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی.
- 3- مقاله های موجود در سایت های اینترنتی.

تهیه و تنظیم: فرهاد حاجی حسینلو

سرگروه اقتصاد اداره آموزش و پرورش شهرستان خوی  
آذر (1396).